



Abstract

This article explicates the concept of moral expectation from the perspective of Gregory Mellema and proceeds to elaborate, develop, and critique it. This deontological philosopher attempts, through defining and clarifying this concept, to expand the scope of moral oughts and ought-nots. Accordingly, in the first part of the article, after distinguishing moral expectation from predictive expectation and normative expectation, the notion of second-order expectation is also defined. Subsequently, after presenting three arguments in support of Mellema's realist view regarding the nature of moral expectations, the study analyzes the necessary foundations for distinguishing between false moral expectations and justified and genuine ones. An analysis of the origin and source of moral expectations reveals that they can, in fact, be divided into two general types: obligation-generating expectations and expectation-generating expectations. Based on the findings of this article, two conclusions are drawn: first, Mellema's view aligns more closely with moral realism than with anti-realism; and second, belief in the concept of moral expectation can expand the boundaries of morality without imposing new and stringent obligations.

Keywords: Moral Expectation; Ethics; Mellema; Deontology.

Moral Expectations and Their Nature from the Perspective of Gregory Mellema

Masoud Sadeghi

Associate Professor, Department of Medical Ethics, Faculty of Medicine, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
masoud.sadeghi@kums.ac.ir

چکیده

مقاله حاضر، مفهوم انتظار اخلاقی را از نگاه گرگوری ملما تبیین کرده و به شرح، بسط و نقد آن پرداخته است. این فیلسوف وظیفه گرا کوشیده است با تعریف و تبیین این مفهوم، دایره باید و نبایدهای اخلاقی را گسترش دهد. در همین راستا، در بخش نخست مقاله، پس از تفکیک مقوله انتظار اخلاقی از انتظار پیش گویانه و انتظار هنجاری، انتظار درجه دو نیز معنا شده است. در ادامه، پس از ارائه سه دلیل برای اثبات نگرش واقع گرایانه ملما درباره سرشت انتظارات اخلاقی، به تحلیل مبانی لازم برای تمایز میان انتظارات اخلاقی کاذب و انتظارات روا و واقعی پرداخته شده است. تحلیل منشأ و سرچشمه انتظارات اخلاقی نشان می دهد که درواقع، انتظارات اخلاقی به دو نوع کلی انتظارات الزام آفرین و انتظارات انتظارآفرین تقسیم می شوند. بر اساس یافته های مقاله، دو نتیجه به دست می آید: نخست آن که نگرش ملما بیش از آن که با غیرواقع گرایی سازگار باشد، با واقع گرایی اخلاقی هم خوانی دارد؛ و دوم آن که باور به مفهوم انتظار اخلاقی می تواند به گسترش مرزهای اخلاق، بدون ایجاد الزامات تازه و شدید، بینجامد.

کلیدواژه ها: انتظار اخلاقی؛ اخلاق؛ ملما؛ وظیفه گرایی

انتظارات اخلاقی و چستی آن از منظر گرگوری ملما

مسعود صادقی

دانشیار گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، کرمانشاه، ایران

masoud.sadeghi@kums.ac.ir

گرگوری ملما استاد بازنشسته دانشگاه کالون است که در زمینه اخلاق پژوهی پنج کتاب را به رشته تحریر درآورده است: افراد، گروه‌ها و مسئولیت اخلاقی مشترک^۱ (Mellema, 1998a)، فراتر از ندای وظیفه^۲ (Mellema, 1991)، مسئولیت جمعی^۳ (Mellema, 1997)، مشارکت در بزه و پاسخگویی^۴ (Mellema, 2016) و انتظارات اخلاق^۵ (Mellema, 2004).

مطابق با نظریه مطرح شده از سوی او در اثر اخیرالذکر، ما اخلاقاً ملزم به انجام برخی اعمال هستیم که از منظر اخلاق هنجاری انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهیم و ناکامی در انجام چنین رفتارهایی ما را سزاوار سرزنش می‌سازد اما او استدلال می‌کند که این تنها صورت و معنا از انتظارات اخلاقی نیست و برخی از آن‌ها اگرچه به لحاظ هنجاری مورد انتظار هستند اما انجام ندادنشان ما را اخلاقاً مقصر نمی‌سازند ولو سبب سرزنش دیگری یا احساس ندامت در ما گردند. به بیان دیگر، ممکن است ترک گفتن این انتظارات و عدم تحقق آن‌ها سبب سرزنش یا پشیمانی شود اما یک تقصیر یا بزه در شمار نمی‌آید. ملما اگرچه تلاش می‌کند تا از منظری وظیفه‌گرایانه به اخلاق بنگرد اما می‌کوشد تا دایره بایدها، نبایدها و تکالیف را از گستره معمول در نظریات کلاسیک فراتر ببرد. راهبرد او برای ایصال به این مقصود یعنی بسط و تعمیق نگرش هنجاری و وظیفه‌گرایانه خویش، توسل به مفهوم «انتظار اخلاقی»^۶ است (Mellema, 2004). ملما صادقانه و فروتنانه تصریح می‌کند که نظر او یک ایده یا نظریه کاملاً بدیع نیست. نخست به این علت که معتقد است مردم عادی کوچه و بازار، مقصود او از انتظارات اخلاقی را در گفتار و رفتارشان عملاً به کار می‌گیرند و دیگر آنکه فیلسوفانی نیز بوده و هستند که ابعادی از این مقوله را اجمالاً مورد اشاره یا تحلیل قرار داده‌اند هرچند آنچه گفته‌اند ژرفا و معنابخشی بیشتری از آنچه در محاورات عمومی دیده می‌شود نداشته است. البته او اگرچه این مقوله را به لحاظ نظری و عملی کاملاً بدیع نمی‌داند اما معتقد است که مغفول واقع شده و محتاج توجه است (Mellema, 1998b:479).

1. Individuals, Groups, and Shared Moral Responsibility.
2. Beyond the Call of Duty.
3. Collective Responsibility.
4. Complicity and Moral Accountability.
5. The Expectations of Morality.
6. moral expectation.

۲. انواع انتظار از منظر ملما

برای تبیین بهتر و تعریف دقیق‌تر مفهوم انتظار اخلاقی از منظر ملما بهتر است که ابتدا انواع انتظار را به شکلی مختصر و با ذکر مثال توضیح دهیم.

الف) انتظار پیش‌گویانه

انتظار پیش‌گویانه^۱ عبارت است از انتظار و امیدی که ما نسبت به روی دادن حادثه‌ای خاص در زمانی معین داریم. بر همین مبنا این انتظار می‌تواند حتی ناظر به حوادث مکانیکی، اتفاقات طبیعی و به‌طور کلی اموری خارج از حوزه تعاملات انسانی باشد. انتظار پخش اخبار در ساعت ۲۱، ظهور یک منجی در انتهای تاریخ، بارندگی در فصل زمستان، غروب خورشید و... همه مثال‌هایی از این نوع انتظار هستند. ملما تأکید می‌کند که تفکیک و تشخیص انتظارات پیش‌گویانه از انتظارات اخلاقی همیشه آسان نیست (Mellema, 2004: 4). بیماری را تصور کنید که در روز اول بستری شدن، رفتار بدی با پرستاران دارد و به همین دلیل گرفتار کم‌توجهی آن‌ها نسبت به خود می‌شود. او در روز دوم، با گروه پرستاری با احترام و ادب رفتار می‌کند. درک اینکه رفتار بیمار در روز دوم، مصداق انتظار پیش‌گویانه است یا اخلاقی، کاری بس دشوار است.

ب) انتظار هنجاری^۲

ملما به نقل از فردریک برد^۳ و جیمز واترز^۴ هنجارها را معیارهایی برای رفتار می‌داند که به‌قدر کفایت وادار کننده و آمرانه باشند تا آدمیان احساس کنند بایستی یا با آن‌ها موافقت کنند و یا نشان دهند که چنین می‌کنند و یا دلایلی خوب برای مخالفت با آن‌ها ارائه نمایند (Bird & Waters, 1989: 74). صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این تعریف، به نظر می‌رسد که ملما برخلاف دریافت رایج از هنجار و نیز تعریف مختار خود، گستره این مفهوم را به هنجارهای اخلاقی محدود کرده و به‌تبع آن انتظاری را انتظار هنجاری می‌داند که صرفاً ناظر به مقولات اخلاقی باشد. حال‌آنکه اولاً هنجارها دایره وسیعی دارند که شامل هنجارهای اخلاقی، قانونی، ادبی و... می‌شوند و در نتیجه محدود کردن هنجار به هنجار اخلاقی مستلزم دلیل یا دلایلی است که در تئوری ملما بیان نشده

1. Predictive.
2. Normative.
3. Frederick Bird.
4. James Waters.

است. ثانیاً انتظار هنجاری می‌تواند مفهومی فراتر از انتظار اخلاقی باشد که تحلیل و بسط آن همان فوایدی را در پی دارد که تبیین انتظار اخلاقی خواهد داشت.

ج) انتظار قاعده‌محور

منظور ملما از قواعد در بحث انتظار قاعده‌محور^۱، قاعده‌هایی هستند که ذاتاً خارج از حوزه اخلاق قرار گرفته و نااخلاقی^۲ هستند. مثل قواعد مدیران یک کارخانه یا بانک برای نشان تجاری یا رنگ لباس کارکنان و یا قوانین الزامی کشورها برای طول مدت خدمت سربازی. او تفاوت ثابت و لایتغیر^۳ قاعده‌ها با هنجارها را مؤلفه اخلاقی بودن می‌داند. قاعده‌های موردبحث او، قوانینی الزامی^۴ هستند حال آنکه او همه هنجارهای اخلاقی را الزام‌آور نمی‌داند. ملما نادقیق بودن و حتی دلخواهی بودن تقسیم‌بندی‌اش را ناخواسته می‌پذیرد. او تصریح می‌کند که برخی انتظارات هنجاری را می‌توان قاعده محور دانست اما این اصطلاح مختص به آن نوع از انتظارات است که بنیانی و سویه‌ای نااخلاقی دارند و بنابراین او این اصطلاح را صرفاً برای این سنخ از قواعد کنار گذاشته است (Mellema, 2004: 4).

د) انتظار اخلاقی

انتظارات اخلاقی، اموری هستند که انجام آن‌ها سزاوار ستایش و وانهادشان مستحق سرزنش است و بدین معنا از زمره امور خنثی به شمار نمی‌آیند؛ اما همه انتظارات اخلاقی لزوماً از دسته الزامات و تکالیف نیستند. وظائف اخلاقی همواره توأم با انتظارات اخلاقی هستند اما عکس این قضیه صادق نیست (Mellema, 2016: 92). بدین ترتیب از نگاه ملما، ترک برخی از انتظارات اخلاقی (که از زمره تکالیف اخلاقی نیستند) اگرچه مایه سرزنش است اما به هیچ وجه به معنای تقصیر فاعل اخلاقی و بزه‌کارانه بودن آن عمل نیست نه فقط ملما بلکه برخی دیگر نیز همانند او معتقدند در تجربه اخلاقی آدمیان رفتارهای فراوانی یافت می‌شوند که الزامی به انجام آن‌ها نیست؛ اما انجام ندادنشان انسان را دچار احساس شرم یا ندامت می‌نماید (Chisholm and Sosa, 1966: 326).

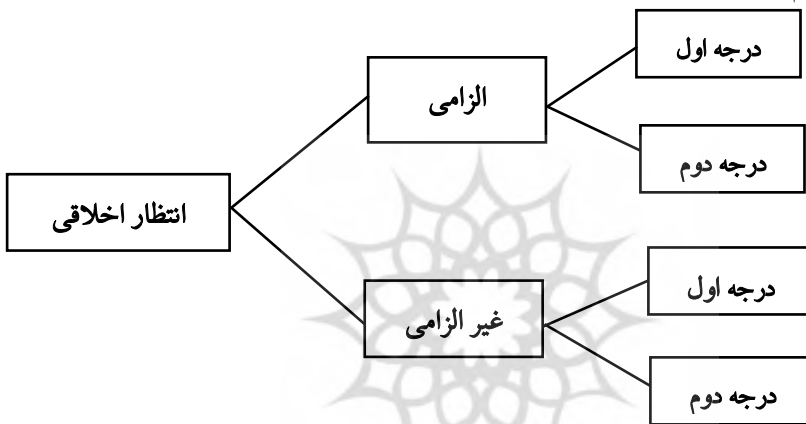
1. rules expectations.
2. non moral.
3. hard and fast.
4. Obligatory.

هـ) انتظار درجه دوم

توقع اینکه فرد از قرار گرفتن در معرض یک انتظار اخلاقی اجتناب نکند، انتظاری درجه دوم^۱ است. ملما بی آنکه این نوع از انتظار را برجسته سازد، در فصل ششم کتاب به آن اشاره‌ای بسیار کوتاه می‌نماید (Mellema, 2004: 58).

۳. تبیین مفهوم انتظار اخلاقی

بر اساس آنچه تاکنون بیان شد معلوم است که انتظار اخلاقی، چه از جنس الزامات اخلاقی باشد و چه از جنس توصیه‌های غیرالزامی، می‌تواند بر دو نوع باشد: انتظار درجه اول و انتظار درجه دوم یا فرا انتظار.



شکل ۱: انواع انتظار اخلاقی (نویسنده)

اما برای آشکار شدن و تبیین عملی مقوله انتظار اخلاقی می‌توان بحث را با بیان یک داستانک به پیش برد:

فرض کنید که در یک فروشگاه بزرگ هستید و ناگهان بارش بسیار شدید باران آغاز می‌شود و به همین دلیل، علیرغم اتمام خرید، منتظر می‌مانید تا بارندگی فروکش کند. در همین حین، بانویی را می‌بینید که به دلیل باروبنه فراوانی که در دست دارد قادر به باز کردن درب فروشگاه نیست و شما دو قدم بیشتر با او فاصله ندارید. به راه می‌افتید، به آن خانم کمک می‌کنید و نهایتاً او نیز از شما تشکر می‌کند.

در ماجرای بالا، باز کردن در برای آن خانم، همان چیزی است که ملما آن را انتظار اخلاقی می‌نامد. از منظر ملما مفهوم انتظار اخلاقی، مفهومی است که برای همه ما کاملاً مأنوس و آشنا

1. second level or meta-level expectations.

است (Mellema, 2016: 91)، که لزوماً خوشایند نیست (Mellema, 2004: 57). اگر این ادعا درست باشد مردم تصویر نسبتاً روشنی از مفهوم انتظار اخلاقی دارند اما ظاهراً قبل از ملما تاکنون کسی به شکلی دقیق و روشمند این مقوله را مورد تحقیق و تدقیق قرار نداده است. درون‌مایه اصلی نظریه او این است که انتظار اخلاقی را نباید با الزام اخلاقی خلط نمود. به گمان او گفتن اینکه انتظار اخلاقی از من این است که عمل الف را انجام دهم با بیان این مطلب که آن عمل یک الزام اخلاقی بر گردن من است کاملاً متفاوت است. تنها وظایف و الزامات اخلاقی مشتمل بر مطالبات اخلاقی هستند و گفتن اینکه باز کردن در برای آن بانو یک مطالبه اخلاقی^۱ است، زیاده‌روی به شمار می‌آید (Mellema, 2004: 2). از منظر او مقارن دانستن الزام و انتظار اخلاقی برخلاف شهود است؛ یعنی همه مصادیق الزام اخلاقی، مصادیق انتظار اخلاقی هم هستند؛ اما همه مصادیق انتظار اخلاقی، مصادیق الزام اخلاقی نیستند و مقوله انتظار اخلاقی گستره‌ای وسیع‌تر از مقوله الزام اخلاقی دارد. درواقع انتظارات اخلاقی، عرصه میان الزامات و امور خنثی از حیث اخلاقی را پر می‌کند. طبق تعریف ملما یک عمل خنثی است اگر و تنها اگر نه الزامی، نه ممنوع، نه شایسته ستایش و نه مستحق سرزنش باشد (Mellema, 2016: 93).

ناکامی در عمل به آنچه از حیث اخلاقی مورد انتظار است؛ اما الزام‌آور نیست یک ناکامی اخلاقی است. ملما این نوع از ناکامی را در راستای استحقاق سرزنش^۲ توصیف می‌کند نه در راستای مفهوم تقصیر و بزهکاری. ناکامی در انجام انتظارات هنجاری اگرچه همیشه موجب تقصیر نیست؛ اما همواره مستحق سرزنش است. البته هرگونه ناکامی به یک اندازه شایسته سرزنش نیست. گفتنی است که ملما تأکید دارد سرزنش مفهومی است دارای درجه‌بندی به‌نحوی که ترک یک انتظار اخلاقی می‌تواند ما را تا سرحد سرزنش پذیری پیش ببرد ولی ترک یک انتظار دیگر موجب سرزنش و شماتت نگردد (Mellema, 2004: 6).

الف) جعل یا کشف انتظارات اخلاقی

ملما در بحث از انتظارات اخلاقی غلط و نابجا درواقع به‌نوعی نظر خود در باب منشأ انتزاع انتظارات اخلاقی و سرشت آن‌ها را تبیین می‌کند. او معتقد است به سه دلیل انتظار اخلاقی مستقل از انتظار ورزان وجود دارد:

۱- انتظار اخلاقی، هم مقتضی انجام برخی اعمال است و هم انجام ندادن برخی اعمال.

1. moral demand.
2. Blameworthiness.

بی‌شمار راه و روش وجود دارد که کسی بتواند عملی بد را انجام دهد و این ادعا که به تعداد این اعمال بد، افرادی وجود دارند که انتظار احتراز از آن‌ها را می‌کشند خنده‌آور و بی‌دلیل است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار اخلاقی را مفهومی وابسته به وجود انتظار ورزان و دیگر آدمیان دانست. انتظارات اخلاقی فراوانی قابل فرض و تصور هستند که الزاماً فردی خاص حامل و واجد آن‌ها نباشد.

۲- کارگری را تصور کنید که می‌داند که کارفرمایش از او انتظار اخلاقی ویژه‌ای برای کار خوب و منظم دارد. اگر کارفرما به شکلی ناگهانی بمیرد آیا او دیگر احساس می‌کند کسی از او انتظار اخلاقی بودن (در اینجا به معنای کار خوب و منظم) را ندارد؟ ممکن است از این پس آن کارگر احساس آرامش کند زیرا دیگر کسی او را دائماً زیر نظر نمی‌گیرد اما معقول نیست که فکر کنیم اصل چنین انتظاری دیگر از بین رفته است.

۳- دلیل سوم مبتنی بر رابطه انتظار و الزام اخلاقی است. هر الزام اخلاقی یک انتظار اخلاقی نیز هست اما عکس این قضیه صادق نیست. اگر چنین است پس امری که شرط لازم برای یک الزام اخلاقی نیست قاعداً و به نحو اولی نمی‌تواند شرطی لازم برای انتظار اخلاقی باشد (Mellema, 2004: 16-17). مقصود ملما این است که وقتی الزامات اخلاقی مستقل از فاعلان اخلاقی وجود دارد و برای وجود هر الزام اخلاقی وجود یک الزام‌کننده انسانی شرط نیست؛ بنابراین برای انتظارات اخلاقی قاعداً نیز نمی‌توان چنین شرطی را فرض نمود. در نتیجه انتظار اخلاقی مستقل از افراد وجود و معنا دارند.

ب) انتظارات اخلاقی کاذب و ناروا

به گمان ملما آدمیان غالباً در تشخیص انتظاراتی اخلاقی که متوجه آن‌ها است به خطا می‌روند (Mellema, 2004: 88). سخنان ملما در این باب تا حدی آشفته است. او معتقد است گاهی اطلاعات غلط سبب ایجاد انتظار اخلاقی ناروا می‌شود؛ اما در اشاره به دیگر علت‌های پیدایش انتظارات ناروا، از انتظاراتی سخن می‌گوید که معلول عواملی منبعث از رابطه میان فرد واجد انتظار و فردی که مورد انتظار واقع شده است. او فردی را مثال می‌زند که عاشق دیگری شده و از او «انتظار» دارد تا به احترام این عشق با کسی رابطه صمیمانه دیگری نداشته باشد. این در حالی است که معشوق وی به او به چشم یک دوست معمولی نگاه می‌کند (Mellema, 2004: 15). به نظر ملما این دسته از انتظارات ناروا غیر از «انتظارات مبتنی بر اطلاعات غلط» هستند حال آنکه به نظر نمی‌رسد این نکته درست باشد. مشخصاً در این مثال ملما آنچه سبب شده انتظاری ناروا و

نابجا شکل بگیرد از یک طرف «بی‌خبری معشوق» نسبت به عشق عاشق و از دیگر سو «ناآگاهی عاشق» نسبت به بی‌خبری معشوق از عشق وی است؛ یعنی همان عنصر اطلاعات غلط؛ بنابراین دست کم این مثال مبین وجود نوع متفاوتی از انتظارات اخلاقی ناروا نیست.

اما نوع سوم از انتظارات اخلاقی ناروا که ملما با مثال بدان اشاره می‌کند حالتی است که یک فرد فراتر از حقی که دارد از دیگری انتظار اخلاقی خاصی داشته باشد. مثلاً اگر یک مدیر از کارمندانش انتظار داشته باشد که در انجام کارهای شخصی به او کمک نمایند در حقیقت انتظار اخلاقی ناروایی دارد (Mellema, 2004: 15)؛ اما سؤال اینجاست که اگر انتظارات اخلاقی اموری هستند که ورای الزامات اخلاقی ما را به سمت عملی خاص تشویق می‌نمایند پس چرا انتظار این مدیر نارواست؟ دلیل ملما این است که مدیر دارای چنین حقی نیست؛ اما مگر انتظار اخلاقی با مقوله حق ارتباط خاصی دارد؟ آیا پیرزنی که در سناریوی ابتدای این بخش (به عنوان نمونه‌ای از انتظار اخلاقی به جا) مورد اشاره قرار گرفت دارای حق ویژه‌ای بود؟

به زعم ما عوامل اصلی ایجاد انتظارات ناروا و غلط را می‌توان غالباً ذیل عنوان اصلی فقدان یا نقصان اطلاعات جای داد. مثلاً فردی را تصور کنید که درجایی از یک موقعیت ساحلی ایستاده که شنا کنندگان به اشتباه گمان می‌کنند او یک مأمور نجات‌غریق است. در چنین حالتی اگر اتفاقی ناگوار رخ دهد و جان یکی از شناگران به خطر افتد این انتظاری غلط و نارواست اگر ما از آن فرد بخواهیم که پیش یا بیش از دیگران برای نجات‌غریق اقدام نماید.

ج) ارزش نمادین انتظارات اخلاقی

انتظارات، پدیده‌هایی نمادین هستند. از منظر ملما یک مثال ساده از ارزش نمادین در عمل «وعده دادن» نمایان است چرا که وعده دادن، صرف‌نظر از تحقق یا عدم تحقق وعده، عمل به وعده در آینده را نمادسازی می‌کند. بالا بردن دست توسط یک فرد داوطلب نیز مثالی خوب برای ارزش نمادین یک عمل است زیرا بیانگر عمل به وظیفه در آینده است. ما می‌توانیم ارزش نمادین را به دودسته تقسیم کنیم:

۱- ارزش نمادین وابسته به توافقات و قراردادهای؛

۲- ارزش نمادین غیر وابسته به توافقات و قراردادهای؛

ارزش نمادین یک عمل در میل و قصد و نیت برای انجام آن عمل در آینده خلاصه نمی‌شود بلکه به برداشت و دریافت دیگران از یک عمل نیز مرتبط است. وقتی کسی یک عمل فضیلت‌مندانه انجام می‌دهد درواقع این عمل او تداعی‌کننده یک ارزش نمادین است که در آینده تحقق

همان فضیلت یا دیگر اعمال فضیلت مندانه از سوی او را وعده می دهد (Mellema, 2004: 79-81). در مقام جمع بندی باید گفت: مفهوم ارزش نمادین که برگرفته از مفهوم فایده نمادین^۱ از رابرت نازیک^۲ است، متضمن این مفهوم است که انجام یک عمل، انجام اعمال بالفعل یا بالقوه دیگری را به نحوی نمادپردازی می کند که واجد اهمیتی اخلاقی است^۳ (Mellema, 2004: 89). ارزش نمادین انجام یک انتظار اخلاقی می تواند خود را در این احساس متجلی سازد که فردی که این انتظار را محقق ساخته، محتمل است که در آینده این انتظار را محقق سازد. ارزش نمادین در غیاب دیگران نیز می تواند وجود داشته باشد. در بسیاری از موقعیت ها فرد می تواند ارزش نمادین رفتار خودش را حس کند (Mellema, 2004: 89).

۴. انتظارات اخلاقی و تعارضات عملی

الف) تعارض انتظارات اخلاقی با الزامات اخلاقی

شاید بتوان موقعیت هایی را تصویر نمود که برآورده ساختن یک انتظار اخلاقی با عمل به یک الزام اخلاقی عملاً در تعارض باشد. مثلاً مأمور نجات غریق را تصور کنید که در همان حال که می خواهد برای نجات یک شناگر اقدام کند متوجه می گردد یکی از افرادی که برای تفریح و تماشا به ساحل آمده دچار تنگی نفس شدید شده و احتمالاً به تنفس مصنوعی احتیاج دارد. در این موقعیت او میان یک الزام اخلاقی یعنی عمل به وظیفه کاری اش برای نجات جان یک انسان و یک انتظار اخلاقی یعنی کمک به یک انسان دیگر که در آستانه مرگ است گرفتار آمده، انسانی که احتمالاً به تنفس مصنوعی احتیاج دارد و معلوم نیست دیگرانی که در ساحل هستند به او کمک کنند یا راه درست آن را بلد باشند. آنچه روشن است این است که هرگز نباید هیچ یک از انتظارات اخلاقی را بر الزامات اخلاقی ترجیح داد زیرا ماهیت و تعریف این دو به گونه ای است که خودبه خود هر فاعل عاقل اخلاقی را به عمل به الزام اخلاقی وامی دارد ولو این الزام مانع تحقق یک یا چند انتظار اخلاقی باشد.

ب) تعارض انتظارات اخلاقی با یکدیگر

همچنان که تعارض یا تراحم الزامات اخلاقی معنادار است تعارض انتظارات اخلاقی با

1. symbolic utility

2. Robert Nozick

۳. رابرت نازیک در کتاب *The Nature of Rationality* مفهوم فایده نمادین و ارتباط آن با کنش های اخلاقی را مورد بحث قرار داده است.

یکدیگر نیز ممکن است. در زندگی روزمره ما بسیار اتفاق می‌افتد که میان ادامه صحبت حضوری با یک دوست و پاسخ دادن به تماس تلفنی دوستی دیگر مردّد می‌مانیم. این تعارض ساده میان دو انتظار اخلاقی است. تعارضات پیچیده‌تری را نیز می‌توان تصویر نمود اما آنچه از ذکر مثال مهم‌تر است این نکته است که هنگام تعارض انتظارات اخلاقی از چه فرمول و ملاکی باید تبعیت نمود؟ لازمه پاسخ دادن به این سؤال، پاسخ به چند پرسش ذیل است:

یک: آیا رده‌بندی یا سلسله‌مراتب خاصی بر انتظارات اخلاقی حاکم است؟ آیا می‌توان یک نوع انتظار را بر انواع دیگر ذاتاً و کلاً مرجّح دانست؟

دو: فارغ از پرسش اول، هنگام تعارض میان چند انتظار اخلاقی هم‌سطح و هم‌سنخ چه کار باید کرد؟

۵. منشأ و زمینه پیدایش انتظارات اخلاقی

تحلیل رابطه انتظارات اخلاقی با یکدیگر و یا با الزامات اخلاقی فوق‌العاده مهم و ثمربخش است. این که آیا انتظارات اخلاقی مستقل از فاعل‌های اخلاقی جود دارند یا نه نکته‌ای حساس و تعیین‌کننده است اما در این بخش از مقاله ما در پی دانستن این هستیم که یک انتظار اخلاقی چگونه ایجاد می‌شود؟ ریشه انتظارات اخلاقی در کجاست؟ با انتخاب مثالی گویا از اخلاق اسلامی می‌توانیم تحلیل خود را بیشتر تعمیق ببخشیم. غالب ما می‌دانیم که سلام نمودن یک امر مستحبی اما پاسخ دادن به آن واجب است. اگر سلام دادن را به‌عنوان مصداقی از انتظارات اخلاقی تصدیق کنیم می‌بینیم که در اخلاق اسلامی، برآورده ساختن یا واکنش به این انتظار اخلاقی یک الزام است. درواقع سلام نمودن یک انتظار الزام‌آفرین است. مثال‌های دیگری را هم می‌توان آورد. در بسیاری از ادیان و فرهنگ‌ها، فرزند آوری دست‌کم یک انتظار اخلاقی به شمار می‌رود. از یک مرد یا زن انتظار می‌رود که برای همیشه از تولیدمثل طفره نروند. البته در این باب ملاحظات اخلاقی فراوانی وجود دارد. از قبیل این که اخلاقاً چه تعدادی از فرزندان برای تشکیل یک خانواده مناسب است؟ اساساً چرا باید صاحب فرزند شد؟ کدام هدف، بهترین انگیزه برای پدر یا مادر شدن است؟ اما فارغ از این پرسش‌های کلیدی، همه فرهنگ‌ها تأیید و تأکید می‌کنند که اگر فرزنددار شدن اقلاً یک انتظار اخلاقی است اما در صورت تولد یک کودک، هرچند ناخواسته، تربیت و تقویت مادی و معنوی او قطعاً یک الزام اخلاقی است. حتی شاید کسانی پیدا شوند که تولیدمثل را به هر دلیل، اقدامی غیراخلاقی قلمداد کنند اما حتماً آنان منکر این مطلب نیستند که به‌هیچ‌وجه نباید یک کودک را به حال خود رها کرد.

از منظری دیگر، می‌توان الزاماتی را تصور کرد که انتظار آفرین هستند. البته الزامات انتظار آفرین بر دودسته کلی قابل تقسیم است.

۱- الزامات الزام یا انتظار آفرین

۲- الزامات انتظار آفرین صرف

پیش‌تر و بارها گفتیم که هر الزام اخلاقی حتماً یک انتظار اخلاقی به شمار می‌آید اما هر انتظار اخلاقی لزوماً یک الزام اخلاقی محسوب نمی‌گردد؛ بنابراین ممکن است واکنش مناسب به یک الزام اخلاقی، الزام اخلاقی دیگری باشد و یا یک انتظار اخلاقی صرف و غیر الزامی. مثلاً کسی که اخلاقاً موظف نیست به افرادی از قبیل یک هم‌سفر یا خویشاوند بسیار دور و نیازمندش کمک مالی بلاعوض نماید اما به آن‌ها کمک نماید درواقع آن‌ها را ملزم می‌سازد که از او قدردانی نمایند؛ بنابراین این یک الزام الزام آفرین است. در مقابل، کارفرمایی که به کارگر خود در ازای کار درست و دقیق حقوق می‌دهد در حقیقت به یک الزام اخلاقی عمل می‌نماید اما آیا کارگر، پس از دریافت حقوق یا در ازای دریافت حقوق موظف به تشکر و قدردانی است؟ به نظر نمی‌رسد چنین الزامی در میان باشد و نهایتاً و صرفاً از کارگر «انتظار» می‌رود بابت تحقق قرارداد فی‌مابین از کارفرمایش سپاسگزار باشد چنان‌که کارفرما نیز ملزم به قدردانی از کارگر بابت انجام کار نیست و او صرفاً ملزم به پرداخت تمام و کمال حقوق وی است.

۶. انتظار اخلاقی و مرزهای اخلاق

یکی از مباحث مهم در اخلاق، حدود و ثغور و گستره آن است. به گمان ما انتظار اخلاقی مفهومی است که این امکان را فراهم می‌کند تا اخلاق دارای دو سطح سخت و نرم گردد. سطح سخت اخلاق که سطح وظایف یا الزامات است تقریباً کلی و از پیش تعیین شده است و تأثیر کمتری از محیط و موقعیت می‌پذیرد؛ اما سطح نرم و ژله‌ای اخلاق که حیطه انتظارات اخلاقی است به شدت معطوف به موقعیت است. انتظارات اخلاقی این قابلیت را دارند که بر تمام ساحات و لحظات زندگی انسان سایه افکن شوند بی‌آنکه او را محصور و محدود به الزاماتی دست‌وپا گیر نمایند؛ زیرا تقریباً کمتر موقعیتی قابل تصور است که مستعد پیدایش و ایجاد یک انتظار اخلاقی نباشد.

اساساً برخی، نظریات تکلیف محور را نوعاً حداقلی می‌دانند زیرا در آن‌ها با تعیین برخی از وظایف، بسیاری از حوزه‌های رفتاری انسان عملاً می‌تواند از شمول اخلاق خارج شود. در مقابل یکی از پیش‌فرض‌های اخلاق فضیلت این است که هیچ منطقه‌ای را نمی‌توان منطقه‌الفراغ

اخلاق دانست (Pojman, 2008: 156). فایده گرایی عمل نگر نیز نظریه‌ای است که معمولاً به عنوان یک نظریه حداکثری و بیشینه‌گرا شناخته می‌شود (Zimmerman, 2007: 241). ورود انتظار اخلاقی به ساحت نظریات اخلاقی می‌تواند بسیاری از تقسیم‌بندی‌های حداقلی و حداکثری را به چالش بکشد و از یک سو نظریات حداقلی را از گزند رها کردن انسان در بسیاری از موقعیت‌ها برهاند و از دیگر سو، تئوری‌های حداکثری را از خطر مطالبات شدید از انسان نجات دهد.

ملما خود را یک وظیفه‌گرا و انتظارات اخلاقی را نوعی وظایف خفیف و درجه‌دو می‌انگارد اما منکر این طرز تلقی نیست که انتظارات را بتوان در قالب فضائل اخلاقی و به‌طور کلی فضیلت‌گرایی ریخت. با توجه به احیای دوباره اخلاق فضیلت در سالیان اخیر و کمرنگ شدن توجه و تأکید کانونی بر روی مفاهیمی چون الزام، مسئولیت و حقوق، ملما تلاش می‌نماید نشان دهد که انتظارات می‌توانند در ساحت فضیلت‌گرایی نیز معنادار باشند (Mellema, 2004: 8). به‌زعم وی گفتن این نکته که انتظارات اخلاقی اصولاً مفاهیمی وظیفه‌مند هستند و نه فضیلت‌مندانه، مانع این نمی‌گردد که تحت شرایطی، انتظارات وارد قلمرو اخلاق فضیلت شوند. ما می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که فردی یک فضیلت خاص را داشته یا در خود پرورش دهد و یا ردیلتی را نداشته و یا در برابر آن مقاومت نماید. اگر این نوع از انتظارات اخلاقی امکان‌پذیر هستند که به نظر ملما هستند پس حوزه انتظارات اخلاقی از دامنه اخلاق فضیلت کاملاً مجزا نیست (Mellema, 2004: 8).

الف) انتظار اخلاقی و اخلاق دینی

به گمان ملما تا جایی که یک فرد مؤمن اعتقاد دارد اخلاق مبتنی بر اراده خداوند است یا اقلاً بخشی از آن توسط او تعیین می‌یابد یا اخلاق با دین سازگار است می‌تواند از انتظاراتی سخن بگوید که از سوی خدا و در باب چگونگی زیستن ما شکل گرفته و در تعیین وضعیت اخلاقی و رفتاری انسان نقش دارد. او معتقد است برخی از انتظاراتی که از سوی خدا شکل می‌پذیرند صورت امر به خود می‌گیرند؛ اما انتظاراتی که شکل امر و الزام به خود نمی‌گیرند می‌توانند یک بیان و نشان از اراده الهی باشند و کسی که معتقد است اخلاق از اراده خدا سرچشمه می‌گیرد یا با آن سازگار است باید هم به اوامر خداوند توجه کند و هم به انتظارات او. می‌توان تصور کرد که گاهی حرکتی برخلاف اراده خدا اخلاقاً موجب سرزنش باشد بی‌آنکه نقض یک تکلیف و الزام اخلاقی به شمار آید؛ به بیان دیگر، خداوند می‌تواند منشأ انتظاراتی از انسان‌ها باشد که مستلزم امر و الزام نباشد (Mellema, 2004: 103-104).

بنا به گفته ملما در گذشته برخی از فیلسوفان یا متکلمین شاخص بر این باور بوده‌اند که خداوند اراده خود را تنها از طریق اوامر بیان نمی‌کند. به‌عنوان مثال، توماس آکوئیناس بر مبنای همین تفکیک معتقد بود که اوامر خداوند الزامی ولی توصیه‌ها و نصایح او انتخابی هستند. ملما می‌گوید نصایح و توصیه‌هایی که آکوئیناس از آن سخن می‌گوید دقیقاً همانند انتظارات اخلاقی نیستند. ازاین جهت که عدم انجام هر دو مورد، نقض تکلیف اخلاقی محسوب نمی‌گردد این دو مقوله مشابهت دارند؛ اما دلایل کافی در دست نیست که عدم انجام توصیه‌ها و نصایح خداوند همواره مستلزم سرزنش اخلاقی باشد. در برخی از موارد یقیناً چنین است اما بعید است که عدم عمل به توصیه خدا مبنی بر زندگی توأم با فقر و تنگدستی^۱ مستلزم سرزنش اخلاقی باشد؛ بنابراین عدم انجام توصیه‌های الهی، برخلاف انتظارات اخلاقی، همواره مستوجب سرزنش اخلاقی نیست. توماس آکوئیناس یک نظام و قانون اخلاقی را که منحصرأً متشکل از اوامر باشد قانون رقیب و بردگی می‌نامد که در آن هیچ جایی برای اعمال آزادی انسان وجود ندارد. از دیگر سو او نظام و قانونی را که مرکب از اوامر و توصیه‌ها باشد قانون آزادی می‌نامد. توماس آکوئیناس میان دو نوع وظیفه تفکیک قائل می‌شود:

الف) وقتی عقل حکم می‌کند امری باید اجرا شود تا فضیلت محقق شود.

ب) وقتی عقل می‌گوید چیزی برای تحقق فضیلت مفید است؛ اما در قالب یک امر یا منع نمی‌گنجد (Mellema, 2004: 106-107).

تقسیم‌بندی سنتی و مدرسی میان اوامر و توصیه‌ها و نصایح الهی مؤید یک وجه از آزادی آدمیان بود. طرح و پیشنهاد ملما این است که این تصویر را با باور به انتظارات الهی تکمیل کنیم. قبول مفهوم توصیه‌های الهی به معنای قبول امکان اموری است که اگرچه مورد توصیه قرار می‌گیرند؛ اما الزام‌آور نیستند. علاوه بر این قبول اموری غیر الزام‌آور به معنای تصدیق وجود احتمالی اموری است که اگرچه مکروه و ناخوشایند هستند؛ اما ممنوع نمی‌باشند. در ادامه ملما به بررسی نگرش کسانی می‌پردازد که می‌گویند شکل‌گیری انتظارات الهی با خداوندی خدا نمی‌سازد. بنا بر گزارش ملما، پیشروان اندیشه اصلاح دینی نسبت به مفهوم توصیه‌ها و نصایح الهی از منظر آکوئیناس موضع خصمانه اتخاذ می‌کردند. دلایل این مخالفت شدید را عمدتاً می‌توان در عمل فروش آموزش از سوی کلیسای کاتولیک جستجو کرد. پیش‌فرض آموزش فروشی این بود که اشخاص مقدس چنان زندگی خود را به‌قدر کافی از اعمال نیک و خیر مملو و مشحون می‌سازند

که در آن خیر بر شر غلبه می‌یابد و حتی این ذخیره لیاقت و ارزش مازاد و اضافی می‌تواند به حساب افرادی دیگر سرازیر شود که فاقد ارزش و استحقاق کافی هستند؛ درواقع این ذخیره محصول تفکیک تکالیف الهی از توصیه‌های الهی است. به نظر مارتین لوتر و کالوین، ذات و وجود خداوند به گونه‌ای است که اجازه تکوّن توصیه‌هایی را نمی‌دهد که منفک از تکلیف‌های اخلاقی باشد. به اعتقاد کالوین «ما هر چه که هستیم و داریم درواقع درخور و سزاوار خداوند و از آن او است» و بنابراین هیچ کاری فراتر از حد وظیفه نیست. او به نقل از آگوستین قدیس می‌گوید: انسان‌های پاک و مقدس هیچ چیزی را به ارزش و شایستگی خود نسبت نمی‌دهند. به گمان کالوین حتی قدیسان نیز با رفتارهای ستایش‌برانگیز خود هیچ ارزش و استحقاقی تولید نمی‌کنند و تنها قانون اخلاق را به کار می‌بندند. گفتنی است فیلیپ ملانشتون یکی دیگر از اندیشمندان جنبش اصلاح دینی معتقد است تنها تجلی اراده تشریعی خدا در اوامر و تکالیف او است. البته او در این میان قائل به یک استثنا است و آن امتناع از ازدواج یا مجرد^۱ است. به گمان او خداوند نمی‌تواند به همه انسان‌ها امر کند که مجرد پیشه کنند و از روابط جنسی بپرهیزند (Mellema, 2004: 106-107).

به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی‌هایی که متکلمین و اصولیون مسلمان از مقوله اراده الهی انجام می‌دادند در تفهیم هرچه بیشتر رابطه مقوله انتظارات اخلاقی با دین راهگشا باشد. از منظر آنان، اراده باری به اراده تکوینی و تشریعی تقسیم می‌گردد. اراده تکوینی اراده‌ای است که متعلّق اراده را به طور مستقیم در خارج به وجود می‌آورد؛ به بیان دیگر، اراده تکوینی یعنی ایجاد و پدیدآوردن متعلّق اراده در خارج به صورت واقعی و حقیقی، به گونه‌ای که به محض اراده کردن، متعلّق آن در خارج بدون دخالت اراده دیگری پدید می‌آید. اراده تشریعی، مقابل اراده تکوینی است و به اراده قانونگذار یا شارع بر انجام کاری از سوی مکلفان از طریق تشریع یا قانونگذاری گفته می‌شود. به بیان دیگر، اراده شارع در به جا آوردن کاری توسط مکلفان و به اختیار آن‌ها، مثل اراده خداوند به انجام عبادات و واجبات اراده تشریعی نامیده می‌شود (جمعی از محققان، ج ۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲)؛ اما نکته جالب این است که برخی از دانشمندان اصول فقه، اراده تشریعی را نیز به اراده تام و غیرتام یا اراده شدید و ضعیف منقسم می‌کنند. شهید محمدباقر صدر به مخفی شدن آقا ضیاء عراقی از این دسته است. به نظر او اراده و طلب مولا گاهی شدید و قوی است، همانند مطالبه او در واجبات. گاهی هم ضعیف است، همانند طلب او در امور

1. Celibacy.

مستحبی (الهامی، ۱۴۱۷، ق، ج ۲: ۲۰). با این توضیح، اراده تشریعی خداوند ممکن است در قالب یک امر بی‌قید و شرط و ضروری قرار نگیرد و صورتی اختیاری داشته باشد و این چیزی نیست جز بیانی دیگر از مفهوم انتظار اخلاقی.

ب) انتظار اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای

تصور بسیاری از افراد در زندگی حرفه‌ای‌شان این است که اخلاق خوب چیزی بیش از انجام وظایف یا تعهدات اخلاقی نیست و وقتی وظایف خود را با موفقیت انجام دادیم می‌توانیم به راحتی متقاعد شویم که هیچ تلاش بیشتری لازم نیست؛ اما به باور ملما درک این موضوع که مرزهای انتظار اخلاقی گسترده‌تر از مرزهای وظیفه اخلاقی است می‌تواند به مردم کمک کند تا دریابند در محیط کار نیز همان‌طور که به خاطر عدم انجام کاری که از نظر اخلاقی موظف به انجام آن هستند سزاوار سرزنش هستند، گاهی اوقات نیز به خاطر عدم انجام کاری که از آن‌ها انتظار می‌رود اما ملزم به انجام آن نیستند سزاوار سرزنش هستند (Mellema, 2004: 117). ما در تمام مواردی که از طریق اعمال یا عدم انجام وظیفه خود سرزنش اخلاقی می‌شویم به یک اندازه مقصر نیستیم. به‌طور کلی، عدم انجام وظیفه اخلاقی ما جدی‌تر از عدم انجام انتظارات اخلاقی ماست؛ بنابراین با فرض یکسان بودن سایر شرایط، ما به خاطر عدم انجام آنچه از نظر اخلاقی لازم است، سرزنش اخلاقی بیشتری نسبت به عدم انجام آنچه از نظر اخلاقی لازم نیست، متحمل می‌شویم. با این حال، ما هنوز هم می‌توانیم به خاطر عدم انجام آنچه از نظر اخلاقی از ما انتظار می‌رود تا حدی سرزنش اخلاقی شویم (Mellema, 2004: 118). ضمن اینکه ملما تأکید دارد کسی که در مورد زندگی اخلاقی جدی است نمی‌تواند به‌طور معمول فرصت‌های انجام اعمال فراتر از حد وظیفه را نادیده بگیرد. در اینجا است که انتظار اخلاقی به رفتارهای فراتر از حد وظیفه مرتبط می‌شود؛ اگرچه هرگز نمی‌توان از نظر اخلاقی از مردم انتظار داشت که عملی فراتر از حد وظیفه خود انجام دهند اما می‌توان از آن‌ها انتظار داشت که حداقل گاهی اوقات اعمال فوق‌العاده و پذیرفته‌شده اجتماعی را انجام دهند.

کودکان در طی زندگی و رشد معمول خود یاد می‌گیرند که بزرگسالانی که با آن‌ها در ارتباط هستند از نظر اخلاقی از آن‌ها چه انتظاری دارند؛ سپس از طریق فرآیندی از بلوغ اخلاقی، توانایی شناسایی انتظارات اخلاقی را تا حد زیادی بدون کمک دیگران در خود تقویت می‌کنند اما گاهی اوقات افرادی که در سایر بخش‌های زندگی خود حساسیت اخلاقی نسبتاً خوبی دارند برای تشخیص انتظارات اخلاقی مرتبط با محیط کار کماکان به کمک نیاز دارند (Mellema, 2004: 118-19).

درمجموع ملما معتقد است پنج فرضیه وجود دارد که افراد باید در زندگی حرفه‌ای در برابر آن‌ها مقاومت کنند:

اول) افرادی که در سازمان‌ها استخدام می‌شوند نباید فرض کنند که اگر نقششان در سازمان بی‌اهمیت باشد پس از نگرانی در مورد انتظارات اخلاقی معاف هستند. آن‌ها نباید اهمیت و شأن خود را به‌عنوان عوامل اخلاقی و ظرفیت خود برای خدمت به دیگران در سازمان از دست بدهند. گاهی اوقات مردم تمایل دارند فرض کنند که کسانی که در ظرفیت تصمیم‌گیری هستند، تنها افرادی هستند که باید به بُعد اخلاقی محیط کار اهمیت دهند. بدیهی است که این فرض نادرست است. ضمن اینکه افرادی که انتظارات اخلاقی دارند، محدود به افراد در سمت‌های رهبری نیستند، زیرا در غیر این صورت، افراد در سمت‌های رهبری نیازی به انتقال انتظارات اخلاقی به کسانی که بر آن‌ها نظارت دارند، نخواهند داشت.

دوم) اعضای سازمان‌ها نباید فرض کنند که افزایش وسعت سازمان، اهمیت اخلاقی انجام انتظارات را کاهش می‌دهد. صرفاً به این دلیل که تعداد افرادی که در قبال یک وضعیت خاص مسئولیت دارند افزایش می‌یابد، نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که مسئولیت هر فرد در قبال آن کاهش یافته یا رقیق شده است. مسئولیت اخلاقی مانند یک کیک نیست که فقط مقدار مشخصی از آن برای گردش در دسترس باشد و با تقسیم مسئولیت با افراد بیشتر، اندازه برش هر فرد کوچک‌تر شود (Mellema, 2004: 120-21).

سوم) اعضای سازمان‌ها نباید فرض کنند هر آنچه را که باید در مورد آنچه از آن‌ها در محل کار انتظار می‌رود بدانند، به آن‌ها گوشزد خواهد شد.

چهارم) کسانی که در سازمان‌ها استخدام می‌شوند نباید فرض کنند که انتظاراتی که از یک فرد در محل کار وجود دارد، در طول زمان ثابت می‌ماند. انتظاراتی که در گذشته از ما وجود داشته است، ممکن است در آینده دیگر وجود نداشته باشد و یا ممکن است با گذشت زمان انتظارات جدیدی را بپذیریم. برخی از دلایل تغییر در انتظاراتی که از ما می‌رود تا حدودی واضح است: فردی شغل جدیدی پیدا کرده، سرپرست جدیدی با ایده‌های متفاوت در مورد انتظارات کارکنان دارد یا خود سازمان توسط یک مالک یا شرکت جدید خریداری شده است؛ اما دلایل ظریف‌تری برای تغییر در انتظارات اعضای سازمان‌ها نیز وجود دارد. اگر در فضای اخلاقی یک شرکت بهبودهایی ایجاد شود، بدون شک تغییری در انتظارات کارکنان آن شرکت نیز رخ خواهد داد. به‌عنوان مثال، کارمندان یک شرکت برجسته ممکن است به‌طور معمول در حین کار خود را با داستان‌ها و جوک‌های بی‌ربط سرگرم کرده باشند. با تغییر در فضای اخلاقی شرکت، چنین



داستان‌ها و جوک‌هایی ممکن است دیگر قابل قبول تلقی نشوند و انتظار خودداری از گفتن آن‌ها ممکن است به همه کارمندان منتقل شود.

پنجم) اعضای سازمان‌ها نباید فرض کنند که همه افراد دیگر به‌طور یکسان به انتظارات آن‌ها نزدیک می‌شوند و در راستای آن رفتار می‌کنند. برخی از همکاران یک فرد ممکن است در شناسایی انتظاراتی که از آن‌ها می‌رود، وظیفه‌شناس و در انجام آن‌ها کوشا باشند. برخی دیگر از همکاران ممکن است هیچ علاقه‌ای به شناسایی انتظاراتی که از آن‌ها می‌رود، نشان ندهند و علاقه کمی به انجام آن‌ها داشته باشند یا اصلاً علاقه‌ای نداشته باشند (Mellema, 2004: 123).

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی می‌توان گفت که مقاله حاضر با تمرکز بر مفهوم «انتظار اخلاقی» و نسبت آن با «الزام اخلاقی» کوشیده است تصویری دقیق‌تر از ساختار هنجاری اخلاق ارائه دهد. نخست آن‌که نگرش اخلاقی ملماً بیشتر با واقع‌گرایی اخلاقی سازگار می‌نماید؛ زیرا او بر این باور است که انتظارات اخلاقی مستقل از خواست، تمایل یا حتی شناخت فاعلان اخلاقی وجود دارند و بدین‌سان، اخلاق را به امری فروکاست ناپذیر به ذهنیت فردی تبدیل می‌کند. بر اساس تحلیل ارائه‌شده، هر الزام اخلاقی درعین‌حال یک انتظار اخلاقی نیز هست؛ اما هر انتظار اخلاقی الزاماً به مرتبه الزام یا تکلیف اخلاقی ارتقا نمی‌یابد. این تمایز ظریف اما بنیادین، امکان صورت‌بندی منعطف‌تری از حیات اخلاقی را فراهم می‌سازد. از همین رو، واکنش مناسب به یک الزام اخلاقی می‌تواند یا در قالب الزامی دیگر ظهور یابد، یا صرفاً در سطح یک انتظار اخلاقی غیر الزامی باقی بماند. به همین قیاس، پاسخ به یک انتظار اخلاقی نیز لزوماً هم‌سخن با آن نیست؛ چه بسا انتظاری اخلاقی به الزامی معین بینجامد و چه بسا با انتظاری دیگر - بی‌آنکه الزام‌آور باشد - پاسخ داده شود. در این چارچوب، انتظارات اخلاقی بدون آن‌که فاعل اخلاقی را در شبکه‌ای از تکالیف سخت و محدودکننده محصور کنند، می‌توانند در تمامی ساحت‌ها و لحظات حیات اخلاقی جاری باشند و نقشی فعال ایفا کنند. مفهوم انتظار اخلاقی بدین ترتیب امکان تفکیک دو سطح «سخت» و «نرم» اخلاق را فراهم می‌آورد: سطح سخت که قلمرو وظایف و الزامات نسبتاً کلی و کم تأثیرپذیر از شرایط است و سطح نرم یا ژله‌ای که عرصه انتظارات اخلاقی به‌شدت موقعیت‌مند و سیال را در برمی‌گیرد. درنهایت، ورود مفهوم انتظار اخلاقی به نظریه‌های اخلاقی می‌تواند بسیاری از دوگانه‌سازی‌های رایج، به‌ویژه تقسیم‌بندی‌های حداقلی و حداکثری را به چالش بکشد. پذیرش این مفهوم از یک سو مانع آن می‌شود که نظریات حداقلی انسان را در

بسیاری از موقعیت‌های زیسته بی‌رهنما رها کنند و از سوی دیگر نظریات حداکثری را از گرفتارشدن در دام مطالبات طاقت‌فرسا و غیرواقع‌بینانه نسبت به فاعل اخلاقی باز می‌دارد. بدین‌سان، انتظار اخلاقی حلقه واسطی است که می‌تواند میان الزام و فضیلت، میان سختی و انعطاف و میان واقع‌گرایی هنجاری و اقتضائات زیست‌جهان اخلاقی پیوند برقرار کند.



فهرست منابع

- ۱- الطباطبایی الیزدی، السید محمد کاظم. (۱۳۹۱). *العروه الوثقی*. جلد سوم. قم: مؤسسه فقه الثقیلین الثقافیه. انتشارات میثم تمار.
- ۲- الهاشمی الشاهرودی، محمود. (۱۴۱۷ ق). *بحوث فی علم الاصول؛ مباحث الدلیل اللفظی*. جلد دوم. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). *مراحل اخلاق در قرآن کریم*. تفسیر موضوعی قرآن کریم. جلد یازدهم. قم: مرکز نشر اسراء. نسخه الکترونیکی.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). *دین شناسی*. قم: مرکز نشر اسراء. نسخه الکترونیکی
- ۵- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). *رحیق مختوم* جلد دوم. قم: مرکز نشر اسراء. نسخه الکترونیکی
- ۶- جوادی آملی، عبدالله؛ جمعی از محققان (۱۳۸۹) *فرهنگ نامه اصول فقه*. جلد اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



فصلنامه علمی

۹۰

دوره ۱
شماره ۱
بهار ۱۴۰۵

- 7- Chisholm, Roderick & Sosa, Ernest (1966). "Intrinsic Preferability and the Problem of Supererogation." *Synthese*, 16(3-4), pp. 321-331.
- 8- Driver, Julia (1992). "The Suberogatory." *Australasian Journal of Philosophy*, 70, pp. 286-293.
- 9- Mellema, Gregory F. (1991). *Beyond the Call of Duty: Supererogation, Obligation, and Offence*. SUNY Press.
- 10- Mellema, Gregory F. (1997). *Collective Responsibility*. Rodopi.
- 11- Mellema, Gregory F. (1998a). *Individuals, Groups, and Shared Moral Responsibility*. Peter Lang.
- 12- Mellema, Gregory F. (1998b). "Moral Expectation." *The Journal of Value Inquiry*, 32, pp. 479-488.
- 13- Mellema, Gregory F. (2004). *The Expectations of Morality*. VIBS, Vol. 158.
- 14- Mellema, Gregory F. (2016). *Complicity and Moral Accountability*. University of Notre Dame Press.
- 15- Nazick, Robert (1993). *The Nature of Rationality*. Princeton: Princeton University Press.
- 16- Pearl, Chalm (1996). *The Encyclopedia of Jewish Life and Thought*. Carta, Jerusalem.
- 17- Pojman, Louis P. & Fieser, James (2008). *Ethics: Discovering Right and Wrong*. Wadsworth, Cengage Learning.
- 18- Zimmerman, Michael J. (2007). *The Concept of Moral Obligation*. Cambridge University Press.